

اقامتگاه

مقر شرکت یا مرکز اصلی آن اقامه میشود و بنابراین تابع قوانین جاریه در همان محل می باشد
۲- اقامتگاه در موضوع تبدیل تابعیت نیز وظیفه مهمی را انجام میدهد

۳- نظر بقانون غالب کشورها که احوال شخصی را تابع مقررات تابعیت میدانند دعاری راجع به ترکه تابع قوانین اقامتگاه متوفی می باشد

۴- هرگاه شخصی دارای دو تابعیت باشد راجع باحوال شخصی از قوانین کشوری باید تبعیت نماید که در آنجا سکونت نموده و مستقر شده است

هیچ کس نمی تواند بیش از يك اقامت گاه حقیقی داشته باشد ولی هرگاه ضمن مقاوله یا قرار دادی طرفین یابیکی از آنها برای اجرای تعهدات حاصله از این معامله محلی غیر از اقامتگاه حقیقی خود انتخاب کرده باشد نسبت بدعاوی راجعه بآن معامله همان محلی که انتخاب شده اقامتگاه او محسوب خواهد شد.

ستوری (۱) میگوید « اقامتگاه نقطه ایست که شخص آنرا مسکن حقیقی برای خود اتخاذ میکند و آنجا را مرکز اشغال خود قرار میدهد و در موقع مسافرت نیت مراجعت بهمان محل را دارد»

ساوینی (۲) میگوید: « اقامتگاه محلی است که شخص آزادانه و از روی اختیار آنرا برای سکونت یا مرکزیت برای امور و روابط قانونی خود انتخاب می نماید. »

رارتون (۳) میگوید: « اقامتگاه محلی است که برای سکونت نهائی تعیین میشود و اجتماع دو شرط لازم است تا قانونی محسوب گردد- اول مقیم بودن بالفعل یا بالتمکن در يك محل- دو- اقامت کننده قصد تغییر اقامتگاه و سکونت و توطن در محل دیگر را نداشته باشد. »

در امور مربوطه بدادرسی و صلاحیت دادگاه خصوصاً در مسائل مربوطه بحقوق بین المللی خاص موضوع اقامتگاه اهمیت خاصی را دارا می باشد در قوانین و کتب حقوقی تعاریفات مختلفی برای این کلمه ذکر شده قانون مدنی ایران در ماده ۱۰۰۲ می گوید: « اقامت گاه شخص عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد و اگر محل سکونت شخص غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است» قانون مدنی فرانسه در ماده ۱۰۲ میگوید: « اقامتگاه هر فرانسوی در آن قسمتی که باستعمال حقوق مدنی او تعلق دارد محلی است که مقر اساسی شخص می باشد.

(Lieu ou est son principal établissement)

قانون ایتالی در ماده ۱۶ میگوید: « اقامتگاه حقوقی شخص محلی است که مرکز اساسی شغل و مصالح او می باشد و محل سکونت نقطه ایست که مسکن اساسی او می باشد» قانون سویس در ماده ۳ میگوید « اقامتگاه شخص نقطه ایست که با قصد توطن در آنجا سکونت می نماید» قانون مدنی بلژیک میگوید: « اقامتگاه هر بلژیکی آنچه که باستعمال حقوق مدنی او مربوط است محلی است که مقر اساسی شخص می باشد »

والری (۱) می نویسد: « اقامتگاه شخص نقطه ایست که مرکز مصالح او شناخته میشود چنانچه میدانیم در بعضی از کشورها مانند فرانسه و ایتالی و سویس اقامتگاه در احوال شخصیه تأثیری ندارد و آنچه که در این مسئله مؤثر است قانون تابعیت می باشد در کشور هائیکه قانون تابعیت در احوال شخصیه تأثیر دارد:

۱- اقامتگاه قانون لازم الاتباع را برای اشخاص

معنوی نیز معین میکند زیرا دعوی بطرفیت شرکت در

شروع می شود و تکلیف نگهداری و تربیت طفل در آنجا بعهده پدر محول می گردد پس قانون احوال شخصی نیز باید تابع قانون این اقامتگاه باشد

۴- هر شخص مستقل (بالغ و رشید) در هر وقتی از اوقات دارای اقامتگاهی است یا اقامتگاهی که در موقع ولادت آنرا کسب نموده که اقامتگاه طبیعی نامیده میشود و یا اقامتگاهی که پس از رسیدن بحد رشد و استقلال آنرا تحصیل کرده و آن اقامتگاه انتخابی می باشد.

۵- کسیکه اقامتگاهی تحصیل نموده مادامیکه اقامتگاه دیگری انتخاب نکرده آثار حقوقی اقامتگاه سابق برقرار خواهد بود خواه در اثر اقدام خود تحصیل اقامتگاه نموده باشد خواه در اثر اقدام دیگران (از قبیل پدر وصی و قیم الخ)

۶- آثار اقامت اصلی برای شخص باقی است تا موقعی که اقامتگاه دیگری انتخاب کند و هرگاه پس از انتخاب اقامتگاه از آنجا مهاجرت کند بدون اینکه اقامتگاه جدیدی اختیار نماید همان اقامتگاه اصلی اقامتگاه او محسوب میشود

۷- اقامتگاه شخصی که تابع غیر است همان اقامتگاه غیر می باشد و با تغییر آن تغییر می یابد ولی اقامتگاه صغیر بمجرد ازدواج مادر تغییر پیدا نمی کند و هرگاه مادر یا وصی از راه سوء نیت و تدلیس اقامتگاه خود را تغییر بدهد تاثیری در اقامتگاه صغیر نخواهد داشت.

۸- اقامتگاه زن پس از ازدواج اقامتگاه زوج می باشد و با تغییر آن تغییر می یابد

۹- شخصی که از حیث اقامتگاه تابع غیر می باشد نمی تواند شخصا اقامتگاه خود را تغییر بدهد.

۱۰- آخرین اقامتگاه برای شخص تابع غیر اقامتگاه او محسوب میشود تا موقعی که اقامتگاه قانونی دیگری برای او انتخاب شود. وحدت

دایسی (۱) میگوید: « اقامتگاه محلی است که مسکن نهائی شخص بشمار میرود ولی می توان محلی را برای شخص اقامتگاه محسوب نمود که قانون محل نامبرده را برای او اقامتگاه قرار داده خواه در آن محل اقامتی داشته باشد یا نه»

قواعد زیر اساس مقررات مربوطه با اقامتگاه در انگلستان محسوب می باشد:

۱- ممکن نیست کسی بدون مسکن و موطن باشد « دایسی ص ۹۸ »

۲- جایز نیست کسی در آن واحد دو موطن داشته باشد « دایسی ص ۹۹ »

۳- بموجب قانون انگلیس هر کس يك اقامتگاه اصلی دارد که حین ولادت آنرا کسب می کند بشرح زیر:

الف- اقامتگاه اصلی فرزندان قانونی که در زمان حیات پدر متولد می شوند اقامتگاهی است که پدر آنها حین ولادت طفل داشته است.

ب- اقامتگاه اولاد غیر قانونی و یا فرزندان قانونی که بعد از وفات پدر متولد میشوند اقامتگاه مادر حین وضع حمل می باشد.

ج- اقامتگاه اصلی لقطاء شهری است که لقیط در آنجا یافته شد است

د- در اقامتگاه اصلی طفلی که پس از ولادت فرزند غیر قانونی محسوب می شده و بعد در نتیجه اقرار پدر قانونی شناخته شده محققین اختلاف دارند بعضی میگویند پس از حصول اقرار بولد اقامتگاهی که پدر در زمان ولادت طفل داشته برای فرزند اقامتگاه اصلی محسوب است (دایسی صفحه ۱۰۵ چاپ دوم) و بعضی دیگر معتقدند که اقامتگاه فرزند در این صورت اقامتگاه پدر در موقع حصول اقرار می باشد زیرا محلی که در آن اقرار بفرزند حاصل شده روابط پدر و فرزندی در آنجا